

طرح تغییر قانون مطبوعات

رویا صدر

رویا صدر در سال ۱۳۳۹ در تهران متولد شد. در سال ۱۳۶۵ به دریافت درجه لیسانس در رشته ریاضی و علوم کامپیوتر نایل آمد. در سال ۱۳۵۹ با مجلات پیام انقلاب و امید انقلاب همکاری داشت. سپس عضویت در شورای سردبیری مجله زن روز را برعهده گرفت. در سال ۱۳۷۰ در مجله گل آقا با اسامی مستعار «بی بی گل» و «زعفرون چی» به طنزنویسی پرداخت. و اکنون عضو هیأت تحریریه این مجله است. رویا صدر تا کنون جوایز زیر دریافت کرده است: ۱- برنده جایزه جشنواره طنز سوره در شاخه شعر طنز، در سال ۱۳۷۲ - ۲- نفر برگزیده جشنواره فینیسیم. ۳- نفر دوم برگزیده جشنواره مطبوعات در شاخه طنز مکتوب ۱۳۷۸ و ... آنچه را که می خوانید نمونه ای است از کارهای رویا صدر

مقدمه:

این روزها بعضیها در خصوص مسأله تغییر یا عدم تغییر در قانون مطبوعات، الکی سر و صدا راه می اندازند (یا اگر خیلی خوش باورانه قضاوت کنیم، سر و صدای الکی راه می اندازند).

از نظر ما، مطلب از بیخ یک شکل دیگر است و بلکه حرف حساب همین است که ما می گوئیم. ما چی می گوئیم؟ ما می گوئیم: ظاهراً دعوا بر سر یک چیزهای علیحده ای است و منشاء دعوا هم بر سر تعریف «جرم مطبوعاتی» است که یک تعریف گل و گشادی دارد و سر و ته اش معلوم نیست.

به عقیده ما، مطبوعات دو چیز را اصلاً لازم ندارد که متأسفانه هر دو تایش را دارد. یکی دادگاه مطبوعات و دیگر، هیأت منصفه! لذاست که اگر بیایم قانون مطبوعات را به جای این که یک ماده اش را تغییر بدهیم کلاً آن لم یکن نماییم، چه بسا بتوانیم هم دادگاهش را متحمل کنیم. هم هیأت منصفه را و با این کار، مثل این است که مشکل را از ریشه حل کرده باشیم! (با یک همچو کاری، از حیث سیاست صرفه جویی هم در این برهه نفت بشکهای زیر ده دلار، یک مقداری در هزینه ها صرفه جویی شده. دولت می تواند آن را در یک جای دیگر - فرض بفرمایید در طرح ساماندهی سیاسی - خرج کند!)

بر اهل تحقیق روشن است که با فقدان قانون مطبوعات و حذف دادگاه مطبوعاتی و انحلال هیأت منصفه، مطبوعات از ترس شان خودبه خود دچار زهوار در رفتگی گردیده، مدیران و مسؤولان و دست اندرکاران و نویسندگانش هم خودبه خود به هکذا! آن گاه دولت می تواند از وجود این عزیزان در جاهای

دیگر - مثلاً برای بررسی طرح جامعه مدنی و شعار توسعه سیاسی و ایجاد نهادهای مدنی - حتی تشکیل احزاب سیاسی و امثال ذلک - استفاده شایان و سرشان را گرم نماید! و آن نزدیک به سه میلیون جماعت روزنامه خوان هم وقتی ببینند روزنامه‌ای نیست، به جای این که به چهار میلیون و بیشتر برسند، اجمالاً می‌روند کشک‌شان را می‌سبند و مرکز توسعه صادرات هم می‌تواند آن کشک‌های ساییده را در راستای کالای غیرنفتی صادر کرده، ارز حاصله را به زخم توسعه اقتصادی بزند که در آن واحد، هم به توسعه سیاسی برسیم هم به توسعه اقتصادی! حالا تصورش را بفرمایید که ما از یک همچین منظری به مطالب نگاه کرده و در جناح میانه آبدار خانه مبارکه یک همچین قرائتی از مسأله داریم که مورد تأیید و تصویب شاغلام عوام و مابقی اذنانب گل آقا هم قرار گرفته (البته هنوز به صحنه مبارک مقام شامخ گل آقایی نرسیده) آن وقت یکی از اذنانب بدون این که با ما هماهنگی نموده باشد، رفته سرخود «طرح تغییر قانون مطبوعات» را نوشته و با این کارش، زده روی دست ما و برادر محمدجواد لاریجانی و مرکز پژوهشهایش!

«غضنفر بی‌سواد مادر زاد»

مسئول خوردن رو دست از اذنانب گل آقا،

و مأمور کوبیدن مشت محکم بر دهان استکبار جهانی، و غیره...!

در راستا و درازا و پهنای بررسی پیش‌نویس «طرح تغییر قانون مطبوعات» در مرکز پژوهشهای مجلس، بدین وسیله پیش‌نویس «طرح تغییر قانون مطبوعات از بیخ و بن» تقدیم می‌گردد:

فصل اول - تعریف مطبوعات

ماده ۱ - مطبوعات در این قانون عبارت است از کلیه نشریاتی که در کیوسکهای روزنامه فروشی و سر چهار راه‌ها در راستای حیف و میل کاغذ بیت‌المال، به فروش می‌رسند.

فصل دوم - رسالت مطبوعات

ماده ۲ - رسالتی که مطبوعات برعهده دارند عبارت است از:

الف - درج آگهی خرید و فروش دان مرغ و موبایل و گوسفند (اعم از متوفی یا در قید حیات) و غیره برای روشن ساختن افکار عمومی و بالا بردن سطح معلومات و دانش مردم.
ب - مقابله با روشنفکر نمایان وابسته غربگرای معلوم الحال شبه ژورنالیست حرفه‌ای.
تبصره ۱ - بعضیها اگر حرف بزنند، بعضیهای دیگر آزادند که هر طور دل‌شان خواست عمل کنند.

تبصره ۲ - این تبصره بعداً بسته به مورد، نوشته و اجرا خواهد شد.

تبصره ۳ - من جانم را می‌دهم، تا تو حرفت را توی دلت بزنی.

ج - مبارزه با مظاهر فرهنگ منحط روبه زوال شرق و غرب و شمال و جنوب.



● رؤیا صدر

تبصره ۱- هرگونه ترویج و تبلیغ گفتمان، گفت و گو (ی تمدنی و غیر تمدنی)، مصاحبه، صحبت، بگو و بخند با وابستگان بیگانه، مستوجب زدن و بستن و سرویس نمودن متخلف می باشد.

د- حفظ و تحکیم و موقعیت نیروهای اصیل و ریشه دار و مردمی و متعهد و با کلاس، با چاپ آگهی و رپرتاژ آگهی و مصاحبه و تعریف و تمجید خودمان و نفرین به مخالفان.
تبصره ۱- قربان خواهان برویم.

ماده ۳- مطبوعات در ایفای رسالتی که برعهده دارند، ملزم به رعایت کامل صداقت و صراحت و امانت و عدالت و کفایت هستند. انحراف از موارد فوق به یکی از اشکال زیر ممکن است:

الف- ادعای این که زیانم لال، بالای چشم احدی از افراد جناح ما، خدای ناکرده ابروست.
ب- آب ریختن به آسیاب استکبار جهانی از طریق چاپ هرگونه مطلب، عکس، شرح، گفت و گو، آگهی، و غیره ...

تبصره ۱- خاک بر سر کسی که علیه ما نفس بکشد.

تبصره ۲- ارتکاب هر یک از موارد فوق و موارد پیش بینی نشده دیگر جرم تلقی شده و متخلف تحت تعقیب قانونی و غیر قانونی قرار خواهد گرفت.

فصل سوم - حقوق مطبوعات

ماده ۴ - مطبوعات حق دارند نظرات، انتقادات سازنده، افاضات، پیشنهادات و توضیحات مردم و مسؤولان را با رعایت موازین سیاسی و اخلاقی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و بهداشتی، با ملاحظه میزان ضربه پذیری خود و کلیه کارمندان تحریری و تصویری و خدماتی نشریه، به اطلاع عموم برسانند.

تبصره ۱ - برای انتقاد سازنده، دوازده روز برگه سلامت روانی و بهداشتی و درمانی و قلبی و عروقی لازم است. واجدین شرایط می توانند همه روزه اگر جرات دارند اقدام کنند.

تبصره ۲ - همه مقامات و غیر مقامات، برای انتقاد شدن برابری، به شرطی که از جناح ما نباشد.

تبصره ۳ - مطبوعات آزادند ولی بعضی از روزنامه ها آزادترند.

فصل چهارم - حدود مطبوعات

ماده ۵ - نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر این که ما بگوییم نه!

تبصره ۱ - کسب اخبار داخلی و خارجی و انتشار آنها اگر به منظور افزایش آگاهی عمومی و مصالح جامعه باشد، آزاد و بعضاً مستوجب اشده مجازات است. تفصیل آن را خودمان مشخص می کنیم، به کسی هم ربطی ندارد.

فصل پنجم - جرائم مطبوعاتی

ماده ۶ - جرم مطبوعاتی در این قانون عبارت است از چاپ نشریه و در نتیجه تخریب جنگلها و مراتع و فضای سبز و سوراخ کردن لایه اوزون به طور عمد.

تبصره ۱ - رسیدگی به جرائم مطبوعاتی، مستلزم تشکیل دادگاه مطبوعات و حضور هیأت منصفه نیست. تکلیف و تفصیل آن را پیامهای مردمی (۱) مندرج در بعض روزنامهجات معین می کند.

تبصره ۲ - حرکات خزنده مطبوعاتی که از مرحله خزنده به گزنده و بعضاً پزنده تبدیل شده اند، خارج از جرم مطبوعاتی است. حساب خاطی با کرام الکاتبین است.

تبصره ۳ - در صورت چاپ مطلب خلاف، علاوه بر صاحب امتیاز و مدیر مسؤول و سردبیر و نویسندگان و کادر خدمات که مسؤول می باشند، آبدارچی نشریه نیز به جرم ریختن آب به آسیاب استکبار جهانی دراز خواهد شد.

تبصره ۴ - نحوه دراز شدن را سلیقه دراز کنندگان تعیین می کند.

تبصره ۵ - هرگونه عوامفریبی به وسیله استفاده ابزاری و غیر ابزاری از زنان و مردان و غیره، هرگونه ترویج مد و تجمل و لثوناردوی کاپریو و نیکی کریمی و خشایار اعتمادی، اگر با حفظ

موازین و به دور از جنجالهای سیاسی قلم بزمزدهای مظلوم انقلاب انجام گرفته و از آستین استکبار جهانی بیرون نیامده باشد، برای پر کردن اوقات فراغت نسل جوان بلامانع است. حد و حدود بقیه انواع استفاده‌ها از قانون مشخص می‌کند.

تبصره ۶ - پلمپ کردن در نشریات، نیازمند وجود قفل و کلید محکم و متقن می‌باشد. جزئیات را مأموران اجرای حکم مشخص می‌کنند.

تبصره ۷ - محاکم مطبوعاتی، در روز روشن تشکیل خواهد شد. در صورت تاریکی هوا، استفاده از نیروی برق الزامی است. حضور قاضی در دادگاه لازم و حضور متهم بلامانع است، مگر این که معنی وجود داشته باشد. ورود هرگونه دوربین، ضبط، آدم (بجز قاضی و متهم) ممنوع است.

تبصره ۸ - دادگاه می‌تواند در اسرع وقت، حداکثر پیش از وقوع جرم، حکم مزبوطه را صادر و به متهم ابلاغ کند. این حکم قطعی است.

فصل ششم - شرایط متقاضی و مراحل صدور پروانه

ماده ۷ - متقاضی انتشار نشریه باید دارای شرایط زیر باشد:

الف - به «رسالت» مطبوعات در «کیهان» معتقد باشد و برای «جامعه» خارج از چارچوب موازین یک «همشهری» محافظه کار، یقه چاک ندهد.

ب - قدرت تبیین راهبردی روزآمد و کارساز را در رابطه با سیاست تسامح و تساهل داشته باشد و در این راستا، مظنه قیمت نان (اعم از فانتزی و سنتی) دستش باشد.

تبصره اول و آخر - کلیه اصول و مواد قوانین اساسی و عادی که با مفاد این طرح مغایر باشد، فعلاً از درجه اعتبار ساقط است!

«بی‌بی گل»

(نقل از گل آقا - سال نهم - شماره ۳۴ - آذر ۷۷)